

*Bi-Quarterly specialized-
scholarly journal Of Quranic
Studies Light of Revelation Vol.5,
No. 10,
Autumn & Winter 2020
P 37 - 78*

دو فصل نامه علمی-تخصصی
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی
س ۵ ش ۱۰ پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صفحات ۳۷ - ۷۸

شیوه حمایت قرآن از مستضعفان در برابر مستکبران

نجات یحیی اف*

چکیده

خدا آفریننده و حیات بخش تمام هستی از جمله انسان است. لکن همانطوری که خالق انسان می باشد رب انسان نیز به حساب می آید. یعنی انسان ها فقط در پیدایش و به وجود آمدن به خداوند نیازمند نیستند، بلکه در تمام مراحل هستی، وابسته به وجود و الطاف او هستند. یکی از مسائل اصلی که در زندگی بشر از اهمیت بالایی برخوردار است، داشتن آزادی و عزت می باشد. تمام ادیان الهی به خصوص دین اسلام در آموزه های قرآنی، همه انسان ها را به سوی آن دعوت می نماید. همچنین مبارزه با فتنه، ظلم و استکبار را برای همه واجب نموده و سعادت همه جانبه بشر را در آن دانسته است. علاوه بر دعوت به مبارزه با استکبار، راه ها و شیوه های مبارزه با آن را در اختیار مستضعفان قرار داده است. سؤال اصلی عبارت است از اینکه، شیوه حمایت قرآن از مستضعفان در برابر استکبار چیست؟

پژوهش حاضر، به دنبال بررسی نمودن شیوه حمایت قرآن از مستضعفان در برابر استکبار است که به صورت توصیفی - تحلیلی و بر اساس تحلیل محتوا انجام می شود

* دانش پژوه دکتری قرآن و علوم گرایش مدیریت، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث yahyanecat87@mail.ru

خور، خور، مارتین (۱۳۸۳). جهانی شدن و جنوب، ترجمه‌ی احمد ساعی، نشر قومس، تهران چاپ اول.

مداح، هما، بررسی انسان‌شناختی تاثیرات پروژه‌های توسعه‌ای بر زندگی زنان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحارالانوار، بیروت، دار احیاء.
مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، تهران، انتشارات اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). عدل الهی، تهران، انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). تکامل اجتماعی انسان به ضمیمه هدف زندگی، تهران، انتشارات صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴). حکومت جهانی مهدی (عج)، قم، نشر خاتم.
معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین، تهران، نشر ساحل، چ چهارم.
نعمه، انطوفون (۱۴۲۵). المنجد فی اللغة العربیه المعاصر، بیروت، دارالمشرق.

منطقی، محسن (۱۳۹۰). آینده‌پژوهی؛ ضرورت آینده مطالعات فرهنگی و علمی، مجله اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، شماره اول، سال ۱۳۹۰.

موسوی، سید محمد (۱۳۸۷). نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران، پیام نور.

نویدنیای، منیژه (۱۳۸۴). چندگانگی امنیت: امنیت ملی، عمومی و امنیت اجتماعی، تهران، نشریه معاونت اجتماعی ناجا، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره دوم و سوم، تابستان و پاییز ۱۳۸۴.

شجاعی زند، علی رضا (۱۳۸۱). عرفی شدن در تجربه‌ی مسیحی و اسلامی، انتشارات باز، تهران، چاپ اول.

صلاحی، ملک یحیی (۱۳۸۱). اندیشه‌های سیاسی غرب در قرن بیستم، تهران، انتشارات قومس.

عاملی، محسن امین (۱۳۷۴). سیره معصومان - بخش امام زمان، ترجمه، علی حجتی کرمانی، تهران، سروش.

عسگرخانی، ابومحمد؛ رحمتی، رضا (۱۳۹۰). نظریه‌ی واقع‌گرایی و امنیت بین‌الملل، فصلنامه‌ی سیاست خارجی، تهران، سال ۲۴.

عطارزاده، مجتبی (۱۳۷۸). امنیت جهانی: از نظریه تا واقعیت، مجله‌ی اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۷۸، شماره‌ی ۱۴۴-۱۴۳.

فارابی، ابونصر (۱۳۷۹). آراء اهل المدینه الفاضله، ترجمه‌ی سیدجعفر سجادی، نشر سازمان، چاپ و انتشارات وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قمی، شیخ عباس (۱۳۸۳). منتهی الآمال، تهران، بوستان توحید، ۱۳۸۳.

طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). احتجاج، مشهد، نشر مرتضی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱). الغیبه، قم، دارالمعارف.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). الامالی، قم، دارالثقافه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

گری، جان (۱۳۷۹). فلسفه سیاسی فون هابک، مترجم، خشایار دیهیمی، تهران، نشر طرح نو.

مارتین لیست، سیمور (۱۳۸۳). دایرة المعارف دموکراسی، ترجمه: کامران فانی و نورالله مرادی، تهران، کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.

- بشیریه، حسین (۱۳۷۸). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، لیبرالیسم و محافظه‌کاری، تهران، نشر نی.
- هیثمی، علی بن ابی بکر (۱۴۱۴). مجمع الزوائد، مکتبه القدسی، القاهرة.
- جوادی آملی (۱۳۸۸). تفسیر تسنیم، قم، بنیاد وحیانی اسراء.
- جوادی آملی (۱۳۸۹). امام مهدی موعود موجود، قم، بنیاد وحیانی اسراء.
- جوادی آملی (۱۳۸۶). سرچشمه اندیشه ۴، قم، بنیاد وحیانی اسراء.
- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت.
- خلعت‌بری، فیروزه (۱۳۷۱). مجموعه مفاهیم پولی و بانکی و بین المللی، تهران، شب‌و‌یز.
- خلیلیان، محمد جمال و همکاران (۱۳۹۲). معیارها و شاخص‌های پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام.
- خطیبی، عذرا (۱۳۸۲). مارکسیسم؛ از آغاز تا نشیب انجام، ج اول، تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی زهد.
- دیهمی، خشایار (بی‌تا). ترجمه، تاریخ فلسفه سیاسی، بی‌جا.
- رحیق اغصان، علی (۱۳۸۴). دانشنامه در علم سیاست، تهران، فرهنگ صبا.
- رضائیان، علی (۱۳۸۸). مبانی سازمان و مدیریت، تهران، سمت.
- سودرستن، یو (۱۳۸۴). جهانی شدن و دولت رفاه، ترجمه: هرمز همایون پور، تهران، موسسه عالی پژوهش، تأمین اجتماعی.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۴). نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، تهران، قومس، چاپ چهارم.

منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه

آشوری، داریوش (بی تا). دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید.

آقابخشی، علی (۱۳۷۴). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۳۹۳). غررالحکم، ترجمه‌ی محمدعلی انصاری، انتشارات امام عصر (عج).

آرنت، هانا (۱۳۶۶). توتالیتاریسم، ترجمه محسن ثلاثیه، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ دوم.

ابن ابی جمهور، محمد بن علی بن ابراهیم الاحسائی (۱۴۰۳). عوالی اللالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه، قم، سید الشهداء، چاپ اول.

الجرّ، خلیل (۱۳۷۸). فرهنگ لاوروس، ترجمه حمید طیبیان، تهران، امیرکبیر، چاپ هجدهم.

اربلی، علی بن عیسی (۱۴۰۳). «کَشَفُ الْغُمَّه فی مَعْرِفَةِ الْأُمَمِ» (ع) دارالاضواء.

انصاری، رضا (۱۳۹۷). شاخصه‌های جامعه دینی از دیدگاه قرآن، قم، نشر معارف / نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، چاپ اول.

امیری، علی نقی (۱۳۹۴). الگوی اداره در نهج البلاغه، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

که براساسِ نظام الهی به دست مهدی موعودِ موجودِ نظامِ مطلقِ سامان یافته و قصه‌ی تراژیکِ عالم به سر می‌رسد. یافته‌ها حاکی از آن است که در حوزه‌ی نظام مهدویت شاخصه‌های زیادی را می‌توان برشمرد؛ اما با مطالعات انجام شده حاصل شد که سایر شاخص‌های نظام مهدوی از زیرگونه‌های این شاخص‌های اساسی بوده و این‌ها هستند که نقش حیاتی در همه‌ی ابعاد زندگی انسان و همچنین تشکیل و استقرار نظام مطلوب جهانی دارند.

نتیجه

آنچه در این پژوهش بدست آمد این است که ویژگی کمال خواهی و پیشرفت انسان را وادار به دانستن از آینده‌ی جهان و سرنوشت انسان نموده و هرکسی متناسب با بینش و باور خود امید و ایمان و آرمان دارد. کسانی که با روش پوژتویستی و نگرش مادی اندیشانه از پایان تاریخ جهان و انسان سخن گفته‌اند چیزی جز اوهام نیست. آنچه واقعیت دارد این است که آینده‌ی ایده‌آل جهان و انسان در درازای تاریخ، توسط ادیان الهی و آیین اسلام مطرح و تبیین شده است. آموزه‌های وحیانی به روشنی از حاکمیت جهانی دین حق باور توحیدی «دین الحق لیظهره علی الدین کله» (فتح، ۲۸)، پیروزی مستضعفان بر مستکبران (قصص، ۵) و رهبری آخرین ذخیره‌ی آسمانی سخن گفته است (هود/۸۶).

از مطالب ارائه شده به دست آید که اساسی ترین شاخص‌های نظم جهانی دولت داد مهدوی توحیدحوری، شایسته‌سالاری، عدالت‌گستری، آبادانی همگانی، رفاه و آسایش اجتماعی، امنیت و آرامش فراگیر، عقلانیت و جهانی‌شدن فرهنگ قرآنی بوده و در سایه‌ی انقلاب بزرگ نظام مهدوی در گیتی شکل می‌گردد و در نظام جهانی او با تحقق پیشرفت برق آسای علمی و معنوی و عدالت اجتماعی نوسازی در تمامی زمینه‌های فکری و فرهنگی صورت می‌گردد و در زیر چتر آن نظام الهی ستیزه‌گیری مبدل به صلح‌جوی می‌گردد و جهنم زندگی جای خود را به بهشت و بهجت می‌دهد. آنچه از نگاهی دینی روشن است این است که فرایند جهانی شدن نه آن‌گونه است که مارتین خور (۱۳۸۳) پیش‌بینی آزمندانه‌ی دو جریان واقع‌گرایی و ساختارگرایی تاریخی را مبتنی بر پیروزی قدرت‌مندترین نظام‌های دولتی و نهادهای اقتصادی بین‌المللی می‌داند

فتح زمین و زمان در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی نیست، بلکه آن حضرت گنجینه‌ها و خزاین ناگشوده‌ی زمین را با کلید ایمان و تقوا می‌گشاید، زیرا برابر با آیات قرآن؛ تقوا کلید فتح و گشایش است: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً» (طلاق، ۲). بنابراین در نظام صاحب الزمان؛ آثار رحمت الهی همگانی و فراگیر می‌شود و رفاه و راحتی در سایه‌ی پروا و پاکی با نزول برکات آسمان و ظهور گنجینه‌های زمین؛ مردم را از سختی و صعوبت فقر نجات و به بهشت آسایش و آسودگی می‌برد و این وعده‌ی الهی: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف، ۷۳) عملی خواهد شد؛ به گونه‌ای که مسافری مسافت عراق تا شام را می‌پیماید و جز بر گیاه و سبزه قدم نمی‌گذارد: «لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَانَزَلَتْ السَّمَاءُ قَطْرَهَا، وَلَا خَرَجَتْ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا... وَاصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمِهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ، وَ عَلَى رَأْسِهَا زِينَتُهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَيْعٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/ ۱۰۴). و نیز خداوند گنج‌ها و معادن زمین را برای آن حضرت آشکار می‌کند: «يُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفْلاذَ كِبِدِهَا وَ يَحْثُو الْمَالَ حَثْوًا وَ لَا يَعْدُهُ عَدَاً» (طوسی: ۱۴۱۴: ۵۱۳). بنابراین؛ شاخصه‌ی رفاه همگانی در نظام صاحب الزمان با وجود وفور نعمت‌های گوناگون الهی و غنای مردم؛ از نارسایی‌ها و ناسازواری‌های موجود در نظام‌های بشری بری و به دور است، و بشر را به دور از آز و آزار و همگام با عدل و آزادی و عزت به سعادت و سلامت رهنمون می‌شود و به سرمنزل مقصود که توحید و طهارت باشد؛ می‌رساند.

باری؛ پیدایش دولت رفاه در آلمان عصر بیسمارک به منظور جبران نقص و نارسایی حکومت توتالیتار و غیر دموکراتیک او شکل گرفت تا با اعطای بیمه‌ی اجتماعی به کارگران؛ آنان را از آغوش سوسیال دموکرات‌ها بیرون کشد و به سوی نظام غیر دموکراتیک و غیر پارلمانی خود هدایت کند و در واقع این مستمری‌ها را به جای اختیارات سیاسی به مردم می‌داد، نه علاوه بر آن‌ها. (مارتین لیپست، ۱۳۸۳: ۲، ۷۸۲)

یکی دیگر از نقص‌ها و نارسایی‌های دولت رفاه؛ عدم جهان‌شمولی بود که به دلیل فقدان ساختار سیاسی مناسب و دموکراتیک در کشورهای جهان سوم پا نگرفت و منجر به پوپولیسم گردید. (آقا بخشی، ۱۳۷۴: ۳۶۳). در کشورهای توسعه‌یافته نیز موجبات کم‌کاری و تنبلی مردمان بهره‌ور و عدم پشت‌گرمی آنان را به تلاش و تکاپو فراهم آورد و امکان‌پذیرش شخصی چنان تنگ و نظارت دولت چنان فراگیر گردید که شکل تازه‌ای از بردگی پدید آمد و دولت حق یافت در همه‌ی عرصه‌های زندگی شهروندان دخالت و حیطه‌ی اختیارات و آزادی شهروندان جوامع نوین را تنگ نماید. (آشوری، ۱۳۷۳: ۱۶۵). همین نواقص و نارسایی‌ها سبب شد که دولت رفاه علی‌رغم دوران شکوفایی خود که تقریباً تا دهه‌ی ۱۹۷۰ ادامه داشت؛ با بحران اقتصادی دچار افول گردد و از میان برود. (سودرستن، ۱۳۸۴: ۱۴۸).

باری؛ رفاه در دولت داد مهدوی به صورت طبیعی در سراسر جامعه و جهان تسری می‌یابد و هم عادلانه و آزادی‌بخش است و هم عزت‌آفرین و ایمان‌افزا، چون اموال عمومی به دور از استبداد و استعمار و استثمار و براساس تساوی در میان همه تقسیم می‌شود: «وَيُسَوِّي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَىٰ مُجْتَاكِا إِلَىٰ الزَّكَاةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲، ۳۹۰). از همین‌روی؛ از همه‌ی عیوب و آفات مکاتب رفاهی و اقتصادی و پیامدهای ناگوار برنامه‌های ناقص و ناسازوار با عدل و آبادی به دور است. دولت داد مهدوی تنها

تسلیماتی و دستگاه‌های تبلیغاتی و تزیینات و تجملات ناروا به صورت گداز صرف نشود و در راه تأمین معاش مردم هزینه گردد؛ مایحتاج و مخارج زندگی تمامی مردم دنیا تأمین و همگان در رفاه و آسایش بسر خواهند برد. در زمانه‌ی ظهور؛ با نابودی قدرت‌های اسراف‌کار؛ بودجه‌های سنگین امور نظامی، تبلیغاتی، تجملاتی، تهاجم فرهنگی، استعمار و استثمار؛ صرف زندگی تمام بشریت خواهد شد و توزیع عادلانه‌ی ثروت در میان عموم مردمان؛ وفور نعمت‌ها و رفاه و آسایش همگان را به ارمغان می‌آورد.

۶- رفاه و آسایش عمومی

یکی از شاخصه‌های مهم نظام صاحب الزمان که زندگی انسان را توأمان با آسودگی و آسایش می‌سازد؛ شاخصه‌ی رفاه است. این مسأله از دیرباز یکی از آمال و آرزوهای بشر بوده و در روزگار پس از رنسانس در غرب دولت‌هایی تحت عنوان: «دولت رفاه» (Welfare State) پدید آمدند تا مایحتاج زندگی افراد جامعه را در حد بسنده تأمین و تضمین نمایند. اما این دولت در واقع واکنشی بود در برابر نظام نابرابر سرمایه‌داری که در سایه‌ی آن عده‌ای رنج می‌بردند و برخی دیگر دست‌رنج آنان را تصاحب می‌کردند و برآیند این نظام نابرابر اقتصادی تقسیم جامعه‌ی انسانی به دو بخش برخوردار از همه‌ی امکانات و بی‌بهره از همه چیز بود و در نتیجه دولت رفاه پدید آمد تا هیچ کس بدون درآمد نماند و ناتوانان از تأمین زندگی، ناتوانان کاری، جسمی، روحی، بیماری، سال‌خوردگی، فشارهای اقتصادی و ناتوانان در امرار معاش را تأمین و تضمین مالی نماید (رحیق اغصان، ۱۳۸۴: ۴۰۳).

طبیعی است و تحت مدیریت و براساس برنامه‌ی الهی، آن‌گونه که خداوند انسان را به هدف ایجاد داد و دهش در زمین استقرار بخشیده و به استعمار فراخوانده است: «وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ» (هود، ۶۱). از همین جاست که شاخص عمران و آبادی و توسعه و تعالی با الگوهای مادی‌گرایانه مدرنیسم فرق می‌کند. توسعه یا development از یک‌سو دارای مفهومی داروینی، به معنای رشد و تکامل ارگانیکی است و از سوی دیگر دارای مفهومی دورکیمی به معنای افزایش پیچیدگی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در گذار از یک جامعه‌ی سنتی به مدرن. (مداح، ۱۳۸۸: ۱۱)

توسعه در لیبرالیسم از مقومات عدالت است، در حالی که در الگوی عدالت اسلام؛ تکامل و توسعه‌ی دو مقوله‌ی متفاوت هستند. تکامل حرکت از سطحی به سطح بالاتر است اما توسعه هرچند می‌تواند رو به بالا باشد، ولی در اصل؛ سطح حرکت افقی دارد. (مطهری: ۱۳۷۵: ۸-۱۸). مردم در در دولت داد مهدوی میزان مشارکت بالایی دارند و آن حضرت زمینه‌ی مشارکت و فعالیت آنان را به صورت آزاد و برابر فراهم می‌سازد، زیرا می‌داند که رفاه اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی وقتی به دست می‌آید که مسئولیت کنترل منابع طبیعی به مردم واگذار شود و مردم بدون اجبار و اکراه و ستم و ستیز سرنوشت خود را رقم بزنند، وگرنه ستم و ستیز؛ ملک و ملت را به قهقرا می‌برد و از بالندگی در همه‌ی عرصه‌ها باز می‌دارد چنان‌که امام علی^(ع) فرمود: «أَفْتِ أَبَادَانِي از ستم سلطان است. (آمدی، ۱۳۹۳: ۳۳۶).

برخلاف نظر برخی کارشناسان اقتصادی؛ منابع مالی و اقتصادی دنیا؛ محدود و پایان‌پذیر است؛ بلکه نعمت‌های الهی فراوان و به تعبیر قرآن از شماره بیرون است: «وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا» (ابراهیم، ۳۴) و اگر این منابع بسیار؛ در امور نظامی و

امام عصر (ع) در رأس برنامه‌های حکومت الهی خویش بدان خواهد پرداخت (جوادی، ۱۳۸۹: ۲۵۴).

۵- آبادانی همگانی

در دولت داد مهدوی موعود موجود (عج) آبادانی همگانی و فراگیر می‌شود و جهان و انسان آباد از هر آفتی و آزاد از هر عیب و ایرادی به حیات طيبة دست می‌یابد: «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل / ۹۷). این مسأله هم در بُعد مادی میسر است و هم در بُعد معنوی. چون وقتی بیداد و بدی و ناهنجاری از هردو ساحت مادی و معنوی رخت بر بندد و انسان و جهان دیگر شود؛ آثار رحمت الهی تجلی و طلوع خواهد کرد: «فَنَنْظُرُ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِ الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (روم/ ۵۰) هرچند پس از بیداد و بدی و سرریز شدن از ستم؛ به مرگ و محو روی آورده باشد: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (حدید/ ۱۷). این به خاطر آن است که امام زمان (ع) مظهر محیی و ممت است و روایات اهل بیت (ع) تفسیر این آیه و احیای زمین پس از مرگ را در سایه‌ی وجود و ولایت آن حضرت دانسته اند؛ چنانکه امام صادق (ع) در پاسخ این‌که احیای ارض بعد از مرگ چیست؟ فرمود: «عدل و داد است، پس از جور و ستم» و امام کاظم (ع) نیز در تفسیر این آیه فرمود: «مراد زنده کردن زمین با قطرات باران نیست، بلکه خداوند مردانی را بر می‌انگیزد، پس عدالت را زنده می‌نمایند، بنابراین زنده شدن زمین با عدل و برپایی آن، تحقق می‌پذیرد که از قطرات بارانی که چهل روز پیاپی بارد مفیدتر است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۸/ ۲۶۷). بنابراین آبادی و عمران و احیای زمین با عدالت و در زیر سایه‌ی وجود و ولایت صاحب الزمان انجام می‌پذیرد و امری کاملاً

معیار انسانیت؛ فطرت است؛ انسان در صورتی تکامل پیدا می‌کند که فطرت و انسانیت او تکامل پیدا کند و لهذا امروز این تردید میان علما هست و در فلسفه‌ی تاریخ این بحث به شدت مطرح است که آیا انسان در آنچه که به نام انسانیت و معنویت نامیده می‌شود تکامل پیدا کرده یا نکرده است؟ (مطهری، ۱۳۷۵: ۵ - ۱۴۴).

عمده‌ترین نابسامانی‌های روان‌شناختی و بحران‌های شناخت‌شناسانه؛ به عدم عقلانیت انسان معاصر برمی‌گردد. انسان وقتی به عقلانیت تام و تمام می‌رسد که به معنویت تام و تمام برسد و تا بحران معنا و معنویت از میان بشر رخت نبندد؛ به تکامل نمی‌رسد، افزایش خودکشی، مسئله‌ی خالی ماندن ساعات فراغت، ازدیاد روزافزون بیماری‌های روانی و اختلالات عصبی، عصیان جوانان، کم‌بود عواطف، مسئله‌ی از هم گسیختگی نظام خانوادگی به عنوان بحران‌های با ماهیت معنوی؛ از مصادیق بحران‌های غریبان که ریشه معنوی دارند، مسأله‌ی گرسنگی، مسئله‌ی آلودگی محیط‌زیست، سیانتیسم، ایدئولوژی‌سازی در مقابل جهان‌بینی توحیدی و... شاهد عقب‌ماندگی بشر از قافله‌ی تکامل است. (مطهری، ۱۳۸۰: ۴۵ - ۶۳).

بنابراین؛ افروختن چراغ وحی و اصلاح بصیرت و احیای عقل بشر؛ نخستین سرفصل‌های حکومت مهدوی است. او که خود وارث مقام ولایت و امام و همتا و ترجمان کتاب الهی است؛ چراغ درخشان وحی را پرفروغ می‌سازد و پرده‌ی غرور را از بصرت، و حجاب وهم را از چهره‌ی عقل بشر می‌زداید، تا انسان به چشم بصیرت و تعقل، و در پرتو نور وحی سعادت خویش را بازشناخته و حکومت خویش را اصلاح کند و در طریق مستقیم قدم گذارد و نهایت خوش‌بختی خویش را دریابد. اثاره، کشف و ارتقای عقول بشر و ایجاد روح استغنا در انسان‌ها از اموری است که وجود مبارک

جهان‌بینی را جان تازه می‌دهد و هم فرهنگ و فلسفه را فراز می‌بخشد، هم اندیشه‌ی معاش را فرامی‌گیرد و هم مبدأ و معاد را در دل و دیده‌ی آدمی فربه می‌سازد و حتّا در عرصه‌ی اجتماعی و سیاسی نیز سکولاریسم مبتنی بر پوپولیسم دنیاگرا را رها و حکومت را بر شایسته‌سالاری برآمده از تأله و توحید و تعلیم و تربیت بنا می‌کند.

عقلانیت عصر ظهور؛ برخلاف عقلانیت جهان مدرن که ماکس وبر اصلی‌ترین شاخصه‌ی آن را بی‌اعتمادی به سنت‌ها (تشکیک در باورداشت‌های کهن، بی‌اعتباری شرایع دینی، اعتقاد به بی‌نیازی بشر از هدایت‌های آسمانی در ساخت و اداره‌ی جامعه) خودبستگی انسان (کفایت عقل بشری در حل مشکلات، بسندگی و قبول حجیت عقل و برهان در مسائل مورد اختلاف) اقناع به نقش ابزاری عقل (انصراف از عقل حقیقت- جو به عقل کارآمد، می‌داند (شجاعی زند، ۱۳۸۱: ۱۳۵) به دین و دانش به صورت توأمان ارزش و اعتبار می‌دهد و فرآورده‌های خرد ناب را همچون وحی معتبر می‌داند، چون از منظر اسلام؛ عقل و وحی هردو فرستاده‌ی خدا هستند: «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَئِمَّةُ ع وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶/۱). و هردو هم صراط هستند و هم سراج و در دو بخش اندیشه و انگیزه و نظر و عمل کارگشا و راه‌نما: «العقلُ مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱ / ۱). وقتی دست ولی عصر به عنوان یدالله برسر بشر کشیده می‌شود؛ هم عقل نظری نزاهت می‌یابد و هم عقل عملی تقویت می‌گردد، به گونه‌ای که انسان در عصر ظهور؛ به رشد و تکامل می‌رسد و هم سهل و ساده حق را می‌شناسد و هم به درستی به آن عمل می‌کند: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۵ / ۱). از منظر ما؛ تکامل بشر و رشد شاخص‌های انسانی در عرصه‌های مختلف به عقلانیت او بسته است. به تعبیر علامه مطهری؛ اگر

شد که حتی وحوش و حیوانات درنده نیز در امان خواهند بود و هیچ خطری آنها را تهدید نخواهد کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲/۳۱۶).

۴- عقلانیت و حیانی

عقل؛ جزء جوهری دین و انسانیت است و فراروندگی انسان در طریق تکامل و نائل آمدن به مرتبت آدمی در پرتو عقلانیت و اندیشه میسر است. بدون عقلانیت و اندیشه نه دین داری ممکن است و نه انسانیت به عنوان یک جوهر اندیشنده فراچنگ می آید: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَانُوا لَكُمْ بَلًا هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف، ۱۷۹). از همین روی در دولت داد مهدوی که به منظور احیای دین اقامه می شود؛ احیای عقلانیت را نیز به دنبال دارد و اندیشه را نیز قیام و قوام می دهد و جز این فلسفه ای را فرارو ندارد: «قُلْ إِنَّا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ ثَمَرٍ مُثْقَلٍ وَفِرَادَى ثَمَرٍ مُتَفَكَّرًا» (سبا، ۴۶). قیام عادلانه و عقلانی مهدوی به مثابه ی خاتم ولایت و امامت و تأمین کننده ی اهداف رسولان الهی چیزی جز برانگیختن عقل و اصلاح اندیشه ی خراب و خفته ی خلق نیست: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَآتَاهُمُ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنَهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيَذْكُرُهُمْ مَنَسِي نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِغِ وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَاتِنَ الْعُقُولِ» (نهج البلاغه، خ ۱).

عقلانیت عصر ظهور؛ بر عقلانیت مدرن می تازد، این عقل جزئی نگر طبیعت گرا و بریده از خدا و ماورا را که جز به دیدن و تشریح با تیغ تجربه رضایت نمی دهد و می گوید: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً» (بقره، ۵۵) با صاعقه ی صفا می سوزد و بصیرت و بینایی می بخشد و از فرود به فراز می رساند و در همه ی سطوح سایه ی سبز خود را می گسترد، برای نفس اماره؛ عقل می زند و هوا و هوس را هرس می کند. هم

مصر ما مشکل است، و امنیت نسبی حاکم بر جهان؛ یا وام‌دار موازنه‌ی قدرت و سیاست واقع‌گرایانه در فضای بین الملل است (سیف‌زاده، ۱۳۷۴: ۶۵-۵۹) یا زیر ساطورِ بازدارندگی که هراس از نابودی به وسیله‌ی تسلیحات اتمی باعث آن می‌شود و با ایجاد ترس از مرگ و تهدید دست‌جمعی؛ برخی از قدرت‌ها؛ رقبای خود را کنترل می‌کنند. (سیف‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۲۳-۱۴۱). هرچند نمی‌توان تمامی مناسبات امنیتی جهان مدرن و لیبرالیسم را برپایه‌ی پارادایم واقع‌گرایانه دانست، بلکه پارادایم آرمان‌گرایانه با الهام از آرای کانت معتقد است با محوریت ارزش‌های اخلاقی حقوق مشروع احاد جامعه بشری تأمین می‌شود (عطارزاده، ۱۳۷۸: ۱۳۲-۱۵۱)، اما در عمل نظام امنیتی جهان بر رهیافت واقع‌گرایانه مبتنی است و در روابط آنارشیک بین الملل؛ دولت‌ها به عنوان بازی‌گر غالب؛ بر اولویت قدرت نظامی و کنترل تسلیحاتی رقبای خود؛ امنیت را قابل دسترس می‌دانند. (عسکرخانی، ۱۳۸۹: ۱۳۹-۱۵). این بعینه ترجمان انسان گرگ انسان است و اگر ترس از نابودی خویشتن نباشد؛ هیچ‌یک از طرف‌ها به این امنیت نیمه‌بند که سایه‌ی ساطور بهمیت قدرت‌ها فراهم آورده؛ پای‌بند نخواهند بود. این در حالی‌ست که امنیت در نظام صاحب الزمان (عج) نه تنها گم‌شده‌ی بشر نخواهد بود که حتّاً بر گفتمان سلبی یعنی وجود ترس و تهدید و موازنه‌ی قوا نیز مبتنی نیست، بلکه بر عقلانیت و تربیت انسان‌ها استوار است و ذات اقدس اله نیز عقلانیت فراهم آمده در سایه‌ی تربیت ولی عصر (عج) را نهادینه و بر همگان ارزانی می‌دارد: «وَلْيَسِدْ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (نور، ۵۵). این گزاره‌ها نشان می‌دهند امنیت برخواسته از ایمان و اهلیت انسان عصر ظهور به قدری پیشرفته است که همه‌ی هستی و هستنده‌های عالم را فرامی‌گیرد و درندگان را نیز از ترس و تهدید آسوده می‌دارد، چنان‌که امام صادق (ع) در تبیین و توصیف امنیت دوران صاحب الزمان فرمود: «به اندازه‌ی امنیت ایجاد خواهد

۳- امنیت جهانی

امنیت (Security) یکی از زیرساخت‌های زندگی بشر به شمار می‌رود و از این رو در دنیای امروز همه از صلح می‌گویند؛ حتی جنگ‌طلبان مسلّم! چرا که تنفر از نا امنی و جنگ ویرانی‌های وحشت‌آور از جنگ جهانی تا آتش افروزان جنگ‌های امروز ویرانی‌های به بار آورده خود را خواهان صلح و امنیت می‌دانند؛ اما برای تحقق آن گام‌ها فراتر از حد آروز نرفته است. طرح صلح و امنیت جهانی از منظر سپهر و حیانی بر اساس اصالت انسان و نهادینه سازی معنویت اوست؛ ایمان؛ شاخصه‌ی اصلی و زیربنای این زیرساخت به شمار می‌رود: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ» (انعام، ۸۲). بدون ایمان و امنیت؛ نه تکامل معنوی و آسایش روانی ممکن است و نه توسعه و پیشرفت مادی. از منظر حکمای اسلام انسان جبراً مدنی بالطبع است، (مطهری، ۱۳۹۲: ۳۱۷). بنابراین سرشت آدمی به امنیت و آرامش گرایش دارد؛ اما خوی و خصلت اصلی مدرنیته و لیبرالیسم به عنوان بازمانده‌ی فلسفه‌های قرن هفده و هیجده و آرای فیلسوفانی نظیر توماس هابز؛ انسان را گرگ انسان (Homi himini lupus) می‌داند (دیهمی، بی تا: ۱۰۴) و جنگ همه علیه همه را ناگزیر می‌شمارد. (همان، ۱۰۶). چیزی که در جهان کنونی مشهود همگان است و ناامنی برخاسته از نهاد ناآرام بشر؛ با سوء مدیریت و روی‌کرد ناسالم سیستم‌های اقتصادی ملّت‌ها و فضای آنارشیک حاکم بر روابط میان دولت‌ها درهم می‌تند و در سطح جهان و در روابط بین الملل تحت عنوان «معمای امنیت» رُخ می‌نماید.

امنیت؛ با همه‌ی ابعاد و انواع گوناگون آن یا برگفتمان سلبی یعنی نبود ترس و تهدید استوار است یا برگفتمان ایجابی یعنی تأمین و تضمین آسایش و آسودگی. (ر.ک: نویدنیا، ۱۳۸۴). به هر حال هر کدام که باشد دستیابی به آن در فضای آنارشیک عصر و

«قَائِمًا بِالْقِسْطِ» (آل عمران، ۱۸) است چون حکومتی را تشکیل می‌دهد که جز اجرای عدل و قسط نخواهد بود. (جوادی، سرچشمه‌اندیشه، ۱۳۸۷: ۲۵۴). در فضای عدالت-گستر و استغناپرورِ مدینه‌ی مهدوی (عج) اثری از بی‌عدالتی نخواهد ماند؛ خواه در عرصه‌های اقتصادی باشد یا سیاسی. بذل و بخشش‌های بی‌حساب که آفت عدالت و آفت انصاف است؛ از میان می‌رود و حق هر صاحب‌حقی به او اعطا می‌گردد، بی‌هیچ کم‌وکاست یا ضایع شدن: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا اِضْمَحَلَّتِ الْقَطَائِعُ، فَلَا قَطَائِعَ» عاملی، ۱۳۷۴: ۱۷/۲۲۲).

در دولت داد مهدوی؛ اموال به صورت برابر در میان همه‌ی گروه‌های اجتماعی تقسیم می‌گردد. رسول الله (ص) فرمود: «أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سُكَّانُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ يَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا. فَقَالَ رَجُلٌ مَا مَعْنَى صِحَاحًا؟ قَالَ: بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ وَ يَمْلَأُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ غِنًى وَ يَسَعُهُمْ عَدْلُهُ» «شما را به مهدی مزده می‌دهم، زمین پر بیداد را سرشار از داد می‌کند، ساکنان آسمان و زمین از وی خوشنود، مال را به صحاح تقسم می‌کند، گفته شد: صحاح چیست؟ فرمود: تقسیم مساویانه‌ی مال در میان مردم و دل پیروان محمد سرشار از استغنا و فراگیر از عدل او می‌شود. (هیشمی، ۱۴۱۴: ۷/۳۱۳). با این اوصاف؛ می‌توان گفت: عدل به عنوان زیربنای هستی «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۳: ۴/۱۰۳). در نظام صاحب‌الزمان (عج) دنیای دیگری می‌سازد و ستیز و ستم و بیداد و بدی را از مناسبات اجتماعی و سیاسی عالم می‌زداید و بهشت و بهار را به زمین و زندگی بشر باز می‌گرداند و زیستن را برای ساکنان این کره‌ی خاکی شادی‌بخش و شفاف می‌نماید.

گفتمان عدالت در لیبرالیسم نمی‌تواند مدلی برای دولتِ داد جهانی باشد. چنان‌که خود لیبرالیست‌ها نیز این گفتمان را ناقص و نارسا دانسته‌اند. به عنوان مثال «فون هایک» نظریه‌ی فردگرایانه‌ی لیبرالیستی را نقد می‌کند و این مفهوم از عدالت اجتماعی را ناقض اصول عادلانه و آزادی می‌شمارد و اندیشه‌ی مدرنِ عدالت اجتماعی لیبرالیستی را متضمن تهدیدی جدی برای جامعه‌ی آزاد و حاوی نطفه‌ی نظام توتالیتری می‌داند (بشیریه، ۱۳۷۸: ۹۱ - ۹۳). مهم‌تر از همه این‌که از نظر «هایک» اجزای سازنده - ی مفهوم فعلی عدالت اجتماعی - انگاره‌های اخلاقیِ استحقاق، نیاز، شایستگی، و غیره؛ هیچ ربط عقلانی یا سازگار با یکدیگر ندارند (گری، ۱۳۷۹: ۱۰۶ - ۱۱۱).

سوسیالیسم نیز؛ ناکارآمدی خود را ثابت کرده و هرگز نمی‌تواند الگوی دولتِ داد جهانی باشد، زیرا برابری از ایدئولوژی سوسیالیسم مدرن حذف گردیده و در نظام سوسیالیستی شوروی نه برابری در مسایل داخلی وجود داشت و نه در امور بین الملل (خطیبی، ۱۳۸۲: ۳۰). طرح‌های توسعه‌ی دولت سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی به جای اعاده‌ی عدالت، به استقرار سلطه‌ی احزاب سیاسی و نظام سیاسی توتالیتر منجر گردید که محصول آن رواداری ظلم بر طبقات ضعیف بود. (آرنت، ۱۳۶۶: ۷-۸). قرآن کریم... برای برانگیختن مردم برای برپایی حکومت عدل «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵) و از آن‌جا که امام معصوم هر عصر؛ عدل و همتای قرآن است؛ بنابراین اگر خدای تعالی اهدافی را برای نزول قرآن برشمارد؛ همان اهداف در باره‌ی امام عصوم^(ع) نیز صادق است، پس جعل و نصب امام نیز اهداف یاد شده را تعقیب می‌کند (جوادی، ۱۳۸۷: ۲۲۶).

حکومتی که زیربنای آن را توحید و روبنای آن را قسط و عدل تأمین می‌کند و در روایات و تعبیرهای معصومان^(ع) دولت حق نام گرفته است و آن حضرت که مظهر تام

جایی برای دوگانه پرستی و حتا دوگانگی اجتماعی و سیاسی باقی نمی گذارد، چنان که امام صادق (ع) فرموده است: «فَوَاللَّهِ يَا مُفَضَّلُ لَيُرْفَعَنَّ عَنِ الْمَلَلِ وَالْأَدْيَانِ الْأَخْتِلَافُ وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ وَاحِدًا» اربلی، ۱۴۰۳: ۲ / ۴۶۴).

۲- عدالت گستری

عدالت به معنای: «وَضَعُ كُلُّ شَيْءٍ فِي مَوْضِعِهِ وَاعْطَاءُ كُلِّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ» است و نهاد آدمی به وضوح صدامیزند سرانجام صلح و عدالت، جهان را فرا خواهد گرفت و بساط ستم برچیده خواهد د و این خواست عمومی انسان ها (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۵۱). از منظر اسلام عالم برپایه ی عدل پایدار است «الْعَدْلُ أَسَاسُ يَه قَوَامُ الْعَالَمِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۳ / ۷۵). از نظر فارابی عدالت اجتماعی وقتی تحقق می یابد که همه به سعادت و کمال برین برسند و همه زندگی کنند و ستیز و ستم از میان برداشته شود و هر عضوی وظیفه خود را انجام دهد و هیچ عضوی از اعضای جامعه به حقوق و وظایف دیگران تعدی نکند (فارابی، ۱۳۷۹: ۹) و این یکی از شاخصه های مهم دولت داد مهدوی شمرده می شود. عدالت در جهان بینی اسلامی مبتنی بر دو بُعد انسان شناختی و جهان شناختی؛ اقتضای برخورداری انسان را از تمامی حقوق فردی، اجتماعی و سیاسی دارد. گفتمان عدالت در اسلام؛ هم آرمان گرایانه است هم سازگار با واقعیت، برخلاف نظریه های لیبرالیسم در زمینه ی عدالت که در درون دوگفتمان کلی آرمان گرایانه ی کانتی و فایده گرایانه استوارت میلی معطوف به رفاه شکل می گیرد و در عرصه ی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شعار آزادی، برابری و برادری را سر می دهد. (صلاحی، ۱۳۸۱: ۱۰-۱۲).

(۲۳۹) ایمان می‌آورند و جامعه‌ی واحدی شکل می‌گیرد: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ» (نساء، ۱۵۹). تشکیل نظام توحیدی در دنیا؛ در عصر ظهور را شاید بتوان جبر تاریخ برشمرد، زیرا پس از این همه بیداد و بدی توسط انسان؛ خداوند در واپسین روزگار عمر عالم؛ به گونه‌ی قهری اراده‌ی خود را مبنی بر تشکیل دولت داد و جامعه‌ی توحیدی اجرا و عملی می‌سازد و دیگر اختیار را به دست بشر نمی‌دهد و خواه ناخواه آیین خود را پیروزی می‌بخشد: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه، ۳۳). آن‌روز که یک‌تپرستی و توحید سراسر گیتی را فرامی‌گیرد و طومار شرک برچیده می‌گردد؛ هر معبودی جز او به آتش چیرگی حق برباطل می‌سوزد و نابود می‌گردد: «انه لم یجئ تأویل هذه الآیه و لو قد قام قائمنا بعده سیری من یدرکه ما یكون من تأویل هذه الآیه و لیلغنّ دین محمد ما بلغ اللیل حتی لا یكون شرک) (مشرک) علی ظهر الارض، كما قال الله، فلا یبقی فی الارض معبود دون الله عزوجل من صنم و وثن و غیره، الا وقعت فیہ نار فاحترق» (جوادی: ۱۳۸۹: ۲۵۹).

برپایی حکومت عدل و حق به دست آخرین حجت خدا نه تنها پایانی بر شرک و بت پرستی بلکه پایانی بر تجمل‌ها و تشریفات زائیدی است که نه تنها راهگشای سعادت بشری نیست، رهن اوست، به ویژه تشریفات و تجملاتی که راه عقل بشر را از فهم عمیق دین و عمل بر طبق آن به بیراهه‌ی ظاهرگرایی منحرق می‌سازد، چراکه سعادت بشر در گرو دین‌داری است و تقویت دین‌داری در خوب فهمیدن و درست عمل کردن و خوب حمایت کردن از دین است، نه تشریفات و تزیینات و تذهیب و نوشتن متن وحی به آب طلا یا تزیین و تذهیب تجملاتی مساجد که فقهای کرام به حرمت و کرامت آن فتوا داده اند (جوادی، ۱۳۸۹: ۲۵۸). این نظام توحیدی صدروساقه‌ی نظام هستی و جامعه‌ی بشری را فرامی‌گیرد و تحقق یافتن برنامه‌ی مشترک انبیای عظام

از واژه‌های هم‌سو، مخالف و نیز ملازم استفاده شده است. پس از بررسی مطالب بدست آمده از داده‌ها پژوهشگران به این جمع‌بندی رسیدند که برای نظام توحیدی مهدوی موعود موجود (عج) معیارهای زیادی از آموزه‌های وحیانی قابل طرح و بررسی است؛ اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین آن‌ها، شاخص‌های مدنظر در نمودار (۱) بوده و تلاش کرده‌اند در حد امکان معیارهای مذکور به شکل مطلوب به تجزیه و تحلیل گرفته شود.

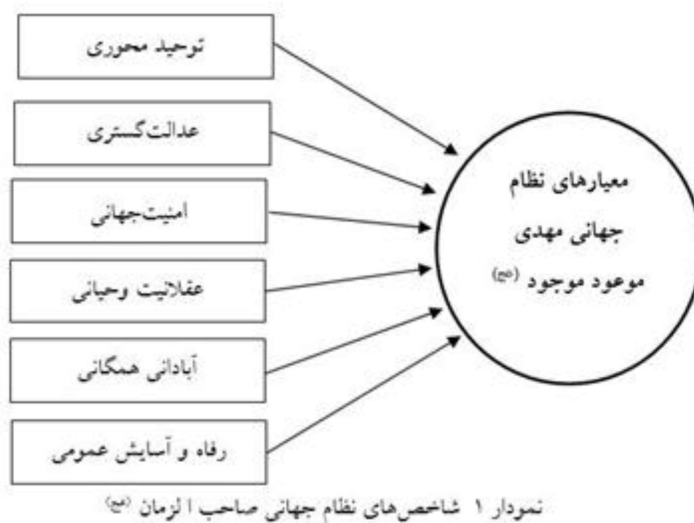
۱- توحیدمحوری

توحید؛ به عنوان شالوده‌ی نظام هستی؛ نقطه‌ی کانونی دعوتِ همه‌ی انبیای عظام به شمار می‌رود و تشکیل جامعه‌ی توحیدی با تمام شاخصه‌های آن همچون: عدل، آزادی، آگاهی، رشد و نوسازی در تمامی زمینه‌های فکری و فرهنگی، آرمانِ اصیل آنان بود و در سراسر زندگی خود آن را در دستور کار داشتند: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل / ۳۶). پیامبر بزرگوار اسلام؛ افزون بر این که کفار و مشرکان را به توحید و یکتاپرستی فراخواند؛ اهل کتاب را نیز به برنامه‌ی مشترک ادیان توحیدی فراخوان داد و از پرستش ارباب متعدد پرهیز داد و فرمود: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران / ۶۴). امام مهدی موعود موجود؛ برنامه‌ی مشترک ادیان توحیدی را به مدد مسیح (ع) عملی و اجرا و آرمانِ اصیل انبیای عظام را مبنی بر تشکیل نظام فراگیر توحیدی محقق می‌سازد و به عنوان واپسین پیامبر پیش از آخرین؛ نه تنها به امام عصر اقتدا می‌کند؛ بیشتر اهل کتاب نیز به پیروی آن حضرت بینا می‌شوند و به امام زمان (ع) اقتدا کرده و نماز می‌گذارند (جوادی، ۱۳۸۹:

(انبیاء/۱۰۵). بنابراین باید به قول حضرت حافظ؛ بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم؛ فلک را سقف بشکافیم و طرح نو در اندازیم. این طرح نو همان طرح سپهر و حیانی در نظام آخرین حجت حق در جهان است.

شاخصه‌های نظام صاحب الزمان (عج)

برپایه‌ی آیات و روایات و مطالب بیان شده، روشن شد که جهان و انسان نوین؛ در پرتو نظم و نظام صاحب الزمان (عج) به دست می‌آید و نظام سپهر و حیانی آن ولی د خدا خواه ناخواه شاخصه‌های مهم و منحصر به فردی دارد. این معیارها در نمودار (۱) به نمایش در آمده است.



تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، برای جمع‌آوری داده‌ها عمدتاً از مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شده و برای این کار علاوه بر مراجعه مستقیم به آیات و روایات برای نظام‌بخشی داده‌ها

آینده‌ی جهان از منظر قرآن

در چشم‌انداز اسلام و قرآن؛ آینده‌ی جهان؛ برخلاف جهان‌بینی مادی‌گرایانه؛ کور و کلافِ سردرگم نیست، بلکه روشن و روبه‌رشد و در شاهره‌ی تکامل و در حالِ صیوریت به سوی الله است: «صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِلَّا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ» (شوری/۵۳). آینده‌ی جهان از منظرِ قرآن و جهان‌بینی اسلامی مبتنی به برخی شاخص‌های کلی جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و نظام‌سازی است و نظمِ نوین جهانی برپایه‌ی براهینِ وجودی، فلسفی، و روان‌شناختی استوار است که هم نیاز به تأسیس دارد و هم به تبلیغ و توسعه. در پروسه‌ی الهی؛ نه جهان بی‌هدف و حساب است و نه انسان بی‌ارزش و بی‌بها. پس باید هم جهان به هدفِ خود برسد و از نقص به نظام و از سقم به سلام دست‌یابد «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا» (ص/۲۷) و هم انسان به عنوان مخلوق ممتاز؛ قوسِ نزول را به صعود برساند و به حقیقتِ خود و عالم رجوع نماید: «أَنْتُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مومنون/۱۱۵) و از آن‌جا که به تعبیر حضرت استاد علامه جوادی آملی بیداد و بدی و مثلثِ مشئومِ استبداد، استثمار و استعمار؛ به منزله‌ی سمّ با هاضمه‌ی جهان و انسان ناسازگار است و به فرموده قرآکریم: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم/۴۱) «وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ» (مومنون/۷۱) و حیاتِ اجتماعی انسان و هماهنگی آن با هدفِ آفرینش و برخوردار شدنش از ارزش؛ بدون نظامِ آزاد و رهبرِ آزاده و قانونِ همسو با منافع جمع و جامعه و در خدمتِ مستضعفان و صالحان و در راستای توسعه‌ی عدل و احسان و دور از تعدی و طغیان ممکن نیست: «وَتُرِيدُ أَنْ تَمَنَّا عَلَى الَّذِينَ اسْتَظْعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص/۵) «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»

ب) دوران غیبت کبرا

با رحلتِ نائبِ چهارمِ امام عصر (عج) در سال ۳۲۹ هـ ق؛ دورانِ غیبتِ صغرا به پایان رسید و با رسیدنِ غیبتِ کبرا که مدّت آن بر هیچ‌کس معلوم نیست؛ رهبری دینی و سیاسی مردم با وجودِ صعوبتِ حفظِ اعتقادات و پای‌بندی به مقررات دینی؛ به فقهای عظام واگذار شد که این مسأله در فقهی شیعی؛ به «ولایتِ فقیه» معروف و منجر به تشکیلِ نظامِ سیاسی و اجتماعی در جامعه‌ی اسلامی گردید، چنان‌که امام عسکری (ع) تصریحاً تبیین نمود و فرمود: «مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِتًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقْلَدُوهُ وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فَقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا كُلُّهُمْ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۷، ۱۳۱). امام زمان (عج) نیز در نامه‌ای به اسحاق بن یعقوب؛ شیعیان را به روایان حدیث و عالمان دین ارجاع داد و فرمود: «وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۹۱). براساس آموزه‌های دینی و جهان‌بینی مکتبِ شیعی؛ امام زمان (عج) افزون بر هدایت و رهبری مردم؛ در حفظِ نظامِ هستی نیز نقش دارد. چنان‌که روایات اسلامی؛ خالی بودن زمین از حجت خدا را محال و خلای و جودی امام عصر به مثابه‌ی خلای لنگر هستی؛ زمین ساکنانِ خود را فرو می‌برد، و خداوند به برکت وجودِ حجت؛ آسمان را از افول و ذهول محفوظ و حتّا در زمان غیبت نیز مردم همچون خورشیدِ پشتِ ابر از وجودش بهره می‌برند، چنان‌که خود امام زمان (عج) فرمود «چگونگی استفاده از من در غیبت، مانند استفاده از خورشید است، هنگامی که ابرها آن را می پوشانند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۰/۵۳).

دوران غیبت امام زمان (عج)

مهدی موعود موجود (عج) دارای دو غیبت است و باید دانست که همان گونه که هیچ امری در نظام هستی بدون علت نیست؛ غیبت امام مهدی (عج) نیز برای خود علل و ادله‌ی محکم دارد و روایات ما اموری مانند: آزمایش مردم، حفظ وجود امام (عج) از خطرات؛ فراهم شدن زمینه‌ی آمادگی فکری، فرهنگی، روانی در مردم برای تشکیل حکومت جهانی به عنوان فلسفه‌ی غیبت بیان شده است.

الف) دوران غیبت صغری

بنابر گزارشات معتبر منابع روایی شیعی امام حسن عسکری (ع) پس از تولد فرزندش امام مهدی (عج) کوشید تا او را از خطرات امنیتی دولت عباسیان؛ محفوظ بدارد؛ زیرا به دلیل محدودیت‌های سیاسی، اجتماعی و خطرات امنیتی فزاینده؛ پیشوای یازدهم تنها شماری از شیعیان نزدیک را از ولادت فرزند خود با خبر ساخت و سرانجام در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ ق، و در پنج سالگی فرزند خود؛ به دست معتمد عباسی به شهادت رسید و امام عصر (عج) بر پیکر پدر بزرگوار خود نماز گزارد (عاملی، ۱۳۷۴: ۲۵۹) و دوره‌ی جدیدی از زندگی امام مهدی (عج)، معروف به غیبت صغرا؛ آغاز گردید. هرچند برخی از محققان؛ غیبت صغرا را از زمان تولد حضرت برشمرده اند. به هر حال دوران غیبت صغرا تا سال ۳۲۹ هجری قمری ادامه داشت (عاملی، ۱۳۷۴: ۲۷۲) و در این مدت به دلیل در امان ماندن آن حضرت از خطرات و تهدیدات؛ از نظرها پنهان و تنها تعدادی از افراد وارسته به عنوان نواب خاص به او دست‌رسی داشتند تا به عنوان واسطه؛ به سئوالات و مشکلات مردم رسیدگی شود.

های آن‌ها برای دستیابی به هدف یا اهداف معین باهم تلفیق می‌شود (رضائیان، ۱۳۸۸: ۶۴). در زیر چتر سیستم کلان اجتماعی خرده‌نظام‌های زیادی وجود دارد؛ مانند نظام اقتصادی که عهده‌دار تنظیم، تولید، توزیع، مصرف محصولات و خدمات است و شامل نظام رفاه اجتماعی که به معنای رسیدن به بالاترین لذت و رضایت‌مندی با مصرف کالا و خدمات است؛ می‌شود. (خلیلیان و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۷).

نظام تعلقات که تمایل به درنوردیدن ابعاد وجودی انسان دارد؛ بر نظام اندیشه-گی انسان غالب می‌آید و نظام ادراکی و اندیشه‌گی را جهت می‌دهد و از همین روی انسان‌ها برای نزدیک‌سازی ارزش‌ها و باورهای خود به فضای عینی، خرده‌نظام‌های ارزشی را از مصداق‌ها و شکل «قلبی» به شکل «ذهنی» و برنامه‌ریزی تبدیل می‌کنند (امیری، ۱۳۹۴: ۱۱۲-۱۱۳). سایر نظام‌ها نیز هرکدام تحت تأثیر ارزش‌های حاکم بر بافت فرهنگی جامعه قرار دارند و هر جامعه‌ای، به فراخور ماهیت عناصر تشکیل دهنده‌ی خود، از «نظام ارزشی» خاص برخوردار است (رضائیان، ۱۳۸۸: ۹) و بر اساس این نظام حاکم در حوزه‌ی نظر و مقام عمل؛ متفاوت می‌شوند (خلیلیان و دیگران، ۱۳۹۲، ۴۷). بنابراین هرآنچه در صحنه‌ی عینیت و عمل، به نحوی موضوعیت دارد؛ می‌تواند دارای خرده‌نظام مبتنی بر مفاهیم و باورهای حاکم در این نظام و بافت جامعه باشد؛ زیرا عمل مبتنی بر فکر؛ انجام می‌گیرد و فکر در یک مرتبه پیش‌تر مبتنی بر ارزش‌ها و باورهای پیشین فرد و جامعه شکل می‌گیرد. این نظام‌ها و فرایندها را می‌توان هم در عمل‌کرد و رفتارهای افراد دید و هم در عمل‌کرد و رفتارهای اجتماعی. در نظام مهدوی نیز چنین سازمان‌ها و خرده‌سیستم‌هایی براساس مبانی قرآنی و برنامه‌های پیشوایان پیشین آسمانی وجود دارد.

میله‌ای است که به منظور تشخیص جهت قبله در مسیر راه نصب می‌شود، و نیز معیاری است که برای تعیین سطح آب، طی سال‌ها و فصول مختلف در رودخانه‌ها نصب می‌کنند (نعمه، ۱۴۲۵: ۹۸۲). در اصطلاح؛ تعریف‌های بسیاری برای آن ارائه شده که همگی با مفهوم لغوی مرتبط‌اند (ر.ک: انصاری، ۱۳۹۷: ۳۶). در مجموع از منظر فقهی و حدیثی شاخص به معنای میله یا چوبی است که نشان دهنده‌ی روند تغییر سایه برای تشخیص زوال و وقت نماز است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳، ۱۷۵). بنابراین؛ شاخص یک راهنمای آماری است که می‌تواند تغییرات یک متغیر را نسبت به زمان پایه نشان دهد (خلعت‌بری، ۱۳۷۱: ۶۰۶) حاصل اینکه شاخص وسیله‌ای برای سنجش؛ اعم از امور عادی و مادی است، مثلاً برای تعیین ظهر شرعی و وقت فضیلت نماز ظهر و عصر، شاخص و قَدَم و برای سنجش حجم آبِ کُر «وَجَب» به کار می‌رود. این ابزارها در دسترس همگان قرار دارند؛ ولی سنجش مسائل معنوی با نفسانیات و وجدانیات است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۲، ۴۰۶) کما این‌که منظور از شاخص و شاخصه در این پژوهش؛ ملاک‌ها و ویژگی‌های حکومت جهانی امام زمان (عج) است.

۴. نظام

واژه‌ی نظام؛ معادل (System) و دست‌گاه؛ متشکل از مجموعه‌ای از اجزا و عناصر درونی متعدد در تعامل با هم است. در مجموع؛ نظام؛ اشاره به سازمان و تشکیلاتی دارد که با محیط در کنش و واکنش متقابل است؛ یعنی هم بر آن اثر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد (موسوی، ۱۳۸۷: ۶). هر سازمان و تشکیلات کلان؛ خُرده-سیسم‌های ارزشی و مجموعه‌ای از نظام‌های کوچک و پیچیده‌ی اجتماعی، شخصی، زیستی و فیزیکی را در درون خود دارد که در یک ارتباط منظم و خاص، نتایج فعالیت-

۲. آینده پژوهی

آینده پژوهی (Futures study) یا آینده اندیشی (Foresight) به مطالعه‌ی آینده معنا شده و همراه با گمانه‌زنی چندین آینده همراه است؛ از این‌روی واژه‌ی «آینده پژوهی» به صورت جمع به کار می‌رود (منطقی، ۱۳۹۰: ۶۷، ش ۱) آینده پژوهی به عنوان یک رشته‌ی علمی شناخته شده و امروزه در دنیا مراکز علمی متعددی برای آن تأسیس شده است تا با تجزیه و تحلیل اطلاعات و روش‌های علمی بتوانند دریچه‌ای به سوی آینده بگشایند. این روش‌ها متناسب با فرهنگ‌ها در آفرینش آینده‌ی مطلوب نقش اساسی دارند. خلاصه این‌که تصویرهایی که آینده پژوهی در اختیار می‌گذارد در سه مقوله طبقه‌بندی می‌شوند: ۱. آینده‌های ممکن، ۲. آینده‌های محتمل، ۳. آینده‌ی مطلوب. لازم به تذکار است که تفاوت اساسی آینده پژوهی با آینده‌شناسی در نوع نگرش به ساحت آینده است. آینده‌شناسی با قاطعیت از آینده‌ی قطعی و تغییرناپذیر سخن می‌گوید؛ اما آینده پژوه با استناد به اطلاعات موجود، از چند آینده‌ی حتمی، محتمل و ممکن سخن می‌گوید (منطقی، ۱۳۹۰: ۵۳، ش ۱).

۳. شاخصه

شاخصه، واژه‌ی عربی و اسم فاعل و مؤنث شاخص؛ از بن وریشه‌ی شخص و در لغت به معنای هرجسمی است که ارتفاع، برآمدگی و حجم داشته باشد (خلیل الجبر، ۱۳۷۸: ۱۲۵۳/۲). این واژه معادل «Indicator» و در فارسی به معنای الگو، سرمشق، عدد و ویژگی است که میان‌گین ارزش مجموعه‌ای از اقلام مرتبط بایکدیگر را بر حسب در صدی از همان میان‌گین در فاصله‌ی زمانی دو تاریخ بیان می‌کند، و یا به معنای فردی از جامعه‌ی آماری است که ممتاز از افراد دیگر و منتخب آنان است (معین، ۱۳۸۷: ۵۷۵) واژه‌ی شاخص در اصل عربی است و به معنای برآمده و بلند و

تشکیل دولت داد الهی به دست امام زمان (عج) مورد کنکاش و گفتگو باشد و آغاز این پیشینه‌ی قوی به پیش از ولادت حضرت مهدی (عج) می‌رسد؛ اما به صورت خاص پیشینه‌ی نظام‌مندی در این باره یافت نشد. پژوهشگران این تحقیق؛ طی مطالعات متدیکال، به یافته‌های متفاوتی دست یافته اند که بیان مبسوط آن در بدنه‌ی تحقیق خواهد آمد.

مفهوم شناسی

شناسایی متغیرها و مفاهیم کلیدی در هر پژوهش، جهت رفع ابهام و پایایی تحقیق لازم است، زیرا در بسیاری از موارد بدون فهم درست واژه‌ها و اصطلاحات تحقیق؛ ارائه‌ی نظر غیر ممکن است و از همین‌روی پیش از هر سخنی پرداختن به تبیین مفاهیم کلیدی لازم است.

۱. آینده شناسی:

آینده به زمان پس از حال گفته می‌شود (معین، ۱۳۸۵). آینده‌شناسی به معنای «پیش‌گویی و غیب‌گویی آمده است» (منطقی، ۱۳۹۰: ۵۳، ش ۱) در آینده‌شناسی در صدد شناخت آینده اند. این شناخت به کمک ابزارهای متفاوتی ممکن است صورت پذیرد. گاهی ابزار وحی و الهام است که پیش‌گویی‌های پیامبران و اوصیای آنان را شامل می‌شود و گاهی از ابزار علوم فراطبیعی استفاده می‌شود؛ مانند علم اسطرلاب، کف‌بینی و خواب‌نمایی که افراد با استفاده از مهارت و ریاضت به آن دست می‌یابند. در این شیوه‌ها از روش‌های شهودی، بهره می‌برند.